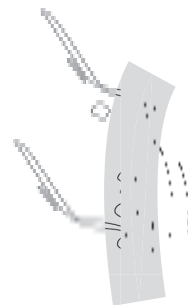


گروه‌های آموزشی مرجع علمی!



گفت‌وگو با منوچهر فضلی‌خانی، مدیر کل دفتر متوسطه‌ی راهنمایی تحصیلی

گفت‌وگو: کتایون رجبی‌راد
عکس: طیبه رحیمی

مدیر کل دفتر متوسطه‌ی راهنمایی تحصیلی اعتقاد دارند که معلمان ما باید فلسفه و ضرورت هر موضوعی را بدانند. بر این اساس با ایشان درباره‌ی گروه‌های آموزشی به گفت‌وگو نشستیم تا ببینیم سرانجام این گروه‌های تأثیرگذار در فرایند یادگیری - یاددهی به کجای انجامد.

○ معلمان ما چه نکاتی را باید درباره‌ی گروه‌های آموزشی بدانند؟

● همان طور که در سال‌های آینده، بحث ارتقای کیفیت آموزش، یکی از شعارهای اساسی یونسکو و مجامع بین‌المللی خواهد بود، ایران هم در بحث برنامه‌ی پنجم و در بیان کلیاتی که مقام معظم رهبری فرمودند، اعتدالی آموزش‌وپرورش را از طریق ارتقای کیفیت مطرح کرده است. به نظرم، هر رکنی که بتواند به ارتقای کیفیت کمک و آن را دست‌خوش تغییر کند، می‌تواند با یافته‌ها و رویکردهای جدید در دنیا هم‌گام باشد. از آن‌جا که بیشترین وقت من در گروه‌های آموزشی گذشته است، استنباط دقیقی از آن دارم. یکی از رکن‌های اساسی ارتقای کیفیت، در گروه‌های آموزشی شکل می‌گیرد. در اصل، گروه‌های آموزشی هسته‌ها و مجامعی هستند که می‌توانند سبب توانمند شدن و ارتقای حرفه‌ای معلمان شوند. استدلال فلسفی من هم این است که معلم، پیام، دستور یا هر بیانی را با پشتوانه‌ی علمی می‌پذیرد، نه با بخش‌نامه و دستورالعمل بدون پشتوانه‌ی علمی. اگر معلم بپذیرد، با روح و جان تغییر را ایجاد می‌کند و آن را خوب هم رشد می‌دهد. اما اگر این منطبق نباشد، در اصل ما نمی‌توانیم در حیطه‌ی کار معلمی مداخله‌ی مؤثری داشته باشیم.



در اهمیت گروه و کار گروهی بسیار خواننده و شنیده‌ایم، اما مهم این است که چه قدر توانسته‌ایم در گروه فعال باشیم، برای این که گروه و کار گروهی ثمره‌ی خوبی داشته باشند. اما برای انجام هر فعالیت گروهی باید دقت داشته باشیم که چرا این کار را باید انجام دهیم و چگونه انجام شود بهتر است. آقای فضلی‌خانی،

معلمان داخل گروه‌های آموزشی، معلمانی هستند که از سوی معلمان دیگر انتخاب شده‌اند و از نظر علمی و وجهه‌ی اجتماعی، قوی‌تر از بقیه محسوب می‌شوند. بنابراین، منطق گروه‌های آموزشی صرفاً علمی است و مقبولیت گروه‌های آموزشی هم کمک می‌کند که از معلمان حرف‌شنوی داشته باشند و آن‌چه را می‌شنوند، با جان و دل اجرا کنند.

نگاه من به گروه‌های آموزشی چنین نگاهی است. در بدو تولد این گروه‌ها هم، تقریباً هرگز گروه‌های آموزشی را به صورت اداری تعریف نکرده‌اند؛ هرچند برخی از معلمان در برخی از استان‌ها گله می‌کردند که ساختار گروه‌های آموزشی باید اداری باشد و پست داشته باشند. اما من هم چنان معتقدم که ساختار گروه‌های آموزشی را نباید اداری تعریف کرد. باید آن‌ها را در بستری کاملاً تخصصی و علمی تعریف کرد تا معلم در برابر آن مقاومت نداشته باشد.

○ گروه‌های آموزشی رسماً چه وقت شروع به کار کردند؟

● بعد از تبصره‌ی ۳۷ بند دوم برنامه‌ی دوم بود. شاخص گروه‌های آموزشی در آن‌جا تعیین شد که به ازای چند معلم ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، به چه تعداد و به چه میزان می‌توانیم در گروه‌های آموزشی شاغل داشته باشیم. دفاتر آموزشی هم هر ساله تعداد ساعت تخصصی به این استان‌ها را توزیع می‌کنند. مثلاً فرض کنید چند هزار ساعت بخش راهنمایی توزیع می‌شود بین استان‌ها و مناطق، و آن‌ها از بین خبرگان، معلمان مناطق را انتخاب می‌کنند. اگر بپذیریم که خاستگاه گروه‌های آموزشی چنین خاستگاهی است، پس مأموریت‌ها و وظایفشان هم به روشنی معلوم است. یعنی گروه‌های آموزشی دقیقاً وظیفه دارد: نظام یاددهی - یادگیری، نظام ارزش‌یابی و صلاحیت‌های معلمان را ارتقا دهند. یعنی از طریق تعامل، تجربیات آن‌ها را کسب، مدیریت و مستندسازی کنند، به

تشویق معلمان بپردازند و به آن‌ها آموزش دهند. چنین مأموریتی وجود دارد.

از طرف دیگر، ما از گروه‌های آموزشی، به عنوان سازمان یادگیرنده یاد می‌کنیم؛ سازمانی که در حال یادگیری و پویایی است. تا دو سال قبل، ساختار گروه‌های آموزشی ما ساختار درسی بود. یعنی در هر استان یا هر منطقه، برای هر درس یک گروه داشتیم؛ گروه عربی، گروه تاریخ، گروه ریاضی و تا آخر. بنابراین، به تعداد ماده‌ی درسی گروه داشتیم.

از دو سال قبل، ساختار دیسیپلینی را به ساختار تلفیقی تغییر دادیم. اول به این دلیل که شاخص گروه آموزشی کاهش پیدا کرد. بالاخره سیاست آموزش و پرورش، تجمیع وضعیت موجود طبق برنامه‌ی کاهش دولت بود. کارمندان باید کاهش می‌یافتند و به دنبال آن، ضریب گروه‌های آموزشی هم کم می‌شد.

دلیل دوم هم این که ساختار ماده‌ی درسی و دیسیپلینی خیلی کارایی نداشت. چرا؟ چون زمانی معلم حق‌التدریس زیاد داشتیم. این‌ها نیاز داشتند که گروه‌هایی در سطح منطقه باشد تا مواد درسی را یادشان بدهد و مفاد درسی، مثلاً جغرافی را برایشان بازگو کند. اما الان شرایط به نوعی است که معلمان دیگر انتظارشان از گروه‌های آموزشی این نیست که محتوای حرفه‌وفن یا ریاضی را به آن‌ها درس بدهند. الان سطح دانشجو - معلمان ما بالا رفته است و فکر می‌کنیم آن‌ها نیازهای دیگری دارند. از جمله این که دوست دارند روش‌های تدریس جدید را یاد بگیرند، رویکردهای جدید درسی را بدانند، نظام ارزش‌یابی و تحصیلی و درسی کتاب‌ها را بیاموزند و چگونگی استفاده از فناوری‌های جدید در دروس را یاد بگیرند. بنابراین، نیاز گروه‌های آموزشی متمایل شد نه به سمت دانش تخصصی، بلکه به سمت مهارت‌های معلمی و صلاحیت‌های حرفه‌ای.

ساختار گروه‌های آموزشی را نباید اداری تعریف کرد. باید آن‌ها را در بستری کاملاً تخصصی و علمی تعریف کرد تا معلم در برابر آن مقاومت نداشته باشد





نظام یاددهی-یادگیری، نظام ارزش‌یابی و صلاحیت‌های معلمان را ارتقا دهند

به این دلیل، ساختار را از دو سال قبل تلفیقی دیدیم. به این صورت که در دروهی راهنمایی، چند گروه در نظر گرفتیم و درون آن‌ها هم گروه‌های دیگری در نظر گرفتیم. آن وقت مواد درسی را هم لحاظ کردیم. مثلاً گفتیم در هر منطقه یک گروه به نام روش تدریس و یاددهی - یادگیری داریم، یک گروه به نام نظام ارزش‌یابی و پیشرفت تحصیلی، یک گروه برای نقد و بررسی محتوای کتاب‌های درسی و یک گروه هم برای فناوری‌های جدید و آی‌تی و آی‌سی‌تی. سه تا چهار گروه که ذیل آن‌ها، مواد درسی هم وجود دارد. مثلاً در دل گروهی که برای یاددهی - یادگیری و به طور سه نفره تشکیل شد، ریاضی، علوم و جغرافی را هم تدارک دیدیم. در گروه ارزش‌یابی، تاریخ، ادبیات و زبان را گذاشتیم. در گروه بعدی، قرآن، دینی و ریاضی را قرار دادیم.

بدین صورت، با تشکیل سه یا چهار گروه، توانستیم مشکل کاهش جمعیت و شاخص گروه‌های آموزشی را حل کنیم. این اقدام دو سال است که در کل کشور به این سبک به اجرا درمی‌آید و البته نقص‌هایی هم دارد. از جمله، تخصص معلمان که در این ساختار قرار می‌گیرند، کم است و باید تقویت شوند. مثلاً در گروه یادگیری، معلمان ریاضی، تاریخ و جغرافی را می‌آوریم. ممکن است اوایل بر نظام یادگیری - یاددهی مسلط نباشند و فقط بر محتوا تسلط داشته باشند. باید کارگاه ببینند تا مسلط شوند و معلم باید بپذیرد که نمی‌داند فلان فرمول را چگونه باید بگوید. باید انتظار داشته باشیم، معلمان ما سؤال‌های سطح بالا مطرح کنند که مثلاً رویکردهای

جدید دنیا و شیوه‌های نوین ارزش‌یابی این کتاب چیست؟ بنابراین، نوع سؤال با سال‌های قبل متفاوت است. اوایل خیلی از افراد از جمله افرادی که در این ساختار قرار گرفتند، در طول یک سال، فوق‌العاده در گروه خود متخصص شدند. دقت کنید، کسی که فقط ریاضی راهنمایی درس داده بود و متخصص ریاضی بود، حالا که در گروهی به نام نظام ارزش‌یابی امتحانات قرار گرفت، خودش بر نظام ارزش‌یابی امتحانات مسلط شد. در گروه‌های دیگر هم چنین اتفاقاتی رخ داد. به نظرم، همین که در منطقه ۷۰۰ نفر را در دل این ساختار داشتیم، اتفاق بزرگی بود.

○ برنامه‌ی امسال به چه شکلی خواهد بود؟

● امسال با کل استان‌ها تفاهم‌نامه‌هایی نوشته‌ایم و درباره‌ی وظایفی که در بخش شورای استان انجام می‌گرفت و فعالیت‌هایی که گروه‌های آموزشی باید در سطح استان انجام دهند، توافق شد. مفاد این توافق‌نامه، سال آینده اجرایی خواهد شد. مخاطب و مجری بعضی از پروژه‌ها در سطح استان‌ها گروه‌های آموزشی است. مثلاً طرح غنی‌سازی گروه‌های آموزشی در ۷۰۰ منطقه و ۷۰۰ مدرسه اجرا می‌شود.

○ با توجه به تمام تغییراتی که در گروه‌های آموزشی انجام می‌دهید و گروه‌های آموزشی را به سمت مهارت‌افزایی و یاددهی مهارت به معلمان می‌برید، چه قدر از معلمان باز خورد می‌گیرید؟ چه قدر فکر می‌کنید که دارید نظام ایجاد می‌کنید؟ بگذارید دقیق‌تر بگویم. آن‌جا که اشاره کردید، مثلاً برای درس ریاضی و علوم کارگاه‌هایی را تعریف کرده‌اید، فرمودید که تولید محتوا را هم ما بر عهده گرفتیم. آیا این مانند دوره‌های قبل نیست که نعل به نعل با محتوا پیش رفتید؟

● موضوعی که شما اشاره کردید، از جمله ایرادهای بنده به مدل برنامه‌ی درسی در ایران بوده است. من در شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هم عضو هستم و بارها این موضوع را پیش از دستور یا پس از دستور مطرح کرده‌ام. من معتقدم که ما باید سرفصل‌ها و اهداف را به معلم بدهیم و در نظام اجرایی او را در تنگنا قرار ندهیم. به او اجازه‌ی مانور و خلاقیت بدهیم. بستر را آماده کنیم تا او خودش براساس روش‌هایی که ایجاد می‌کند، در کلاس درسش به هدف برسد، نه براساس آن چه که ما به طور متمرکز برای سراسر کشور در نظر بگیریم. این غلط است و همیشه جزو نقدهایم به برنامه‌ی درسی بوده است.

○ به نظرم واقعیتی را در نظر نگرفته‌اید. شما هفته‌ای ۶ ساعت، در ماه ۲۵ ساعت و در سال ۳۰۰ ساعت، من معلم را در گروه ریاضی قرار می‌دهید، اما معلوم نیست چه قدر به این موضوع‌ها که می‌گویید، می‌پردازم. نمونه‌اش اظهارات اعضای یکی از این گروه‌هاست. او می‌گوید، ما دائم باید جواب بخش‌نامه‌ها و نامه‌ها را بدهیم. باید به این مدرسه و آن مدرسه برویم

و سؤالات معلم‌ها را به صورت تصادفی برداریم و بر گه‌های تصحیح‌شده‌ی معلمان را ارزیابی کنیم.

بسیاری از بحث‌ها در حوزه‌ی وزارت‌ی خیلی زیبا هستند، اما وقتی به مناطق می‌رسند، هدف تحریف می‌شود؛ هم به صورت معنایی هم به صورت مرتبه‌ای. جایگاه گروه، دقیقاً کاری - اداری تعریف شده است. یعنی معلمی هم که به کار اضافی و نوآورانه علاقه دارد، با موانعی روبه‌رو می‌شود. یعنی می‌گویند تو به گروه آمده‌ای که همین کارها را انجام بدهی. چنین موانعی وجود دارند.

می‌خواهیم بدانیم شما چگونه آن‌ها را نظارت می‌کنید؟
● ببینید در عملکرد مناطق معلمان حاضر در گروه‌های آموزشی، سوق پیدا کرده‌اند به پاسخ اعتراض بچه‌ها را دادن و به اعتراض معلمان رسیدگی کردن. خلاصه کارشان تبدیل شده است به کار اداری که ما این را نمی‌پسندیم. جایگاه این فعالیت در گروه‌های آموزشی ما حداقل است.

○ در مورد ارتقای کیفیت و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان سؤال دارم. مدرسه برای من معلم ۲۴ ساعت کلاس گذاشته است. چه وقت و فرصتی می‌ماند که من در آموزش‌هایتان شرکت کنم؟

● اگر دوره‌ی آموزشی باشد که خب آموزش ضمن خدمت محسوب می‌شود. الان هم که می‌دانید به هر حال، انگیزه برای گذراندن آموزش ضمن خدمت خیلی بالاست. چون مستقیماً روی حقوق اثر دارد. یعنی مستقیماً در حکم کارگزینی ضریب دارد. حالا ممکن است یک روز از این روزها روی کلاس معلم بیفتد که این کلاس توسط مدیر اداره می‌شود. گاهی هم همایش یا جشنواره داریم و اگر طرح معلم پذیرفته شده باشد، یک یا دو ساعتی در گروه حاضر می‌شود و بقیه‌ی وقتش هم آزاد است و می‌تواند بنشیند و استفاده کند. ما در این زمینه چندان تنگنای کلاس نداریم. هزاران معلم در جشنواره و همایش شرکت می‌کنند. کم پیش می‌آید که معلمی بخواهد در چنین مراسمی شرکت کند و مدیر به او اجازه ندهد. چون اصلاً افتخار مدرسه‌اش همین است. به هر حال، ساعات آموزش ما حداکثر ۲۴ تا ۳۰ ساعت، یعنی دو روز، دو روز و نیم و حداکثر سه روز می‌شود که ممکن است دو روزش اصلاً به کار معلم نخورد. ولی ما نمی‌توانیم طوری مدیریت کنیم که یک روز همه‌ی معلمان بیایند. چون به هر ترتیب تنظیم کنیم، عده‌ای از معلمان کلاس دارند.

○ معلم در انتخاب اعضای گروه آموزشی چه نقشی دارد؟ آیا می‌تواند در انتخاب اعضای گروه دخالت کند؟

● بهترین راه انتخاب اعضا، تشکیل مجمع است. منطقه مجمعی می‌گذارد و مثلاً ۸۰ معلم را دعوت می‌کند. ۲۰ نفر اصلاً نمی‌آیند. بقیه می‌آیند، اهداف گروه مطرح می‌شود و کاندیدایشان را انتخاب می‌کنند.

○ سال گذشته، در صحبتی که با شما درباره‌ی فلسفه‌ی دوره‌ی راهنمایی داشتیم، اشاره کردید که

مدل ما مدل کشورهای موفق اروپایی است. با این اعتقادی که داشتید، وقتی ساختار جدید توسط آقای وزیر اعلام شد، یکباره همه شوکه شدند. فکر می‌کنید ساختار جدید چگونه خواهد شد؟

● در مورد ساختار اعتقاد دارم که ساختاری در کشوری می‌تواند کاملاً موفق و در کشوری دیگر بنا به عواملی ناموفق باشد. این نیست که بگوییم کشورهایی که ساختار ایکس دارند موفق‌اند و کشورهایی که آن را ندارند ناموفق. در اکثر کشورها، آموزش مدرسه‌ای دارای دو بخش شش ساله است. یعنی ابتدایی دارند و متوسطه، متوسطه‌شان دو تکه می‌شود. دوره‌ی راهنمایی در چند کشور بیشتر وجود ندارد.

اما قصد و غرض و هدف سند برنامه‌ی درسی ملی و آقای وزیر صرفاً تغییر در این ساختار عمودی نبوده و تحول در برنامه‌ی درسی، وظایف نیروی انسانی و ساختارهای فیزیکی هم مطرح بوده است. من فکر می‌کنم نسبت به مدل موجود (منظور مدل قبلی است) این مدل بهتر است. اول این که هدایت تحصیلی به دوره‌ی متوسطه می‌آید، در حالی که الان بخشی از آن در دوره‌ی راهنمایی است و بخشی در پایه‌ی اول متوسطه است. بنابراین ساختار شش شش که شش دوم آن، دو تا سه است، یعنی سیکل اول و سیکل دوم متوسطه است، به نظرم قوی‌تر است. از طرف دیگر، ضرورت ندارد دوره‌ی دوم متوسطه چهار سال باشد. پیش‌دانشگاهی هم مأموریت پیش‌دانشگاهی دارد، خیلی جزو آموزش و پرورش به حساب نمی‌آید. بنابراین به نظرم این مدل برای دوره‌ی راهنمایی موفق‌تر است. منوط بر این که هم برنامه‌ی درسی متناسب با این ساختار تدوین شود و هم معلمان، فلسفه‌ی وجودی دوره‌ی راهنمایی را که استعدادشناسی و هدایت تحصیلی دانش‌آموز و کمک به

بهترین راه انتخاب اعضای گروه‌های آموزشی، تشکیل مجمع است



دانش‌آموزی است که به آموزش منقطع و بانشاط نیاز دارد، به خوبی بشناسند.